

توضیح فشرده ای به پاسخ دوست عزیز " سید "

نگارنده : پیکار

محترم سید به تاریخ 31 جنوری 2011 ، از طریق کتاب مهمان تار نمای " سیمای شغنان " ، از بازدید کننده ها ، دوستان و شغنانی های اهل خامه خواسته است، اگر پیرامون کاربرد دقیق واژه های " شغنی " ، و " شغنانی " ، چیزی را در اختیار خواننده های عزیز بگذارند تا در آینده ها برای همه شهروندان ما از دیدگاه استعمال آنها سهولت همگون آفریده شده باشد.

من شخصاً با در نظر داشت فهمی که از این واژه ها دارم، و کاربرد شان را از دیدگاه واژه شناسی و ریشه شناسی، که هر دو ساحه ای از زبان شناسی عموی و مقایسی را تشکیل دهنده اند، چنین برداشت دارم که :

واژه " شغنی " اسم فاعل است و نمایندگی از یک دسته، گروه و قوم می کند. واژه " شغنانی " ، اسم مفعول است که شغنی بودن بر فردی و یا شخصی اطلاق میگردد، که آن را اسم مضرّف نیز گویند. لذا اگر واژه شغنی را در برابر کسی بکار ببریم، مطلب برای مستمع واضح نمیشود که هدف از زبان است و یا فرد، و تا زمانی که واژه های " زبان + شغنی " را باهم مدغم نکنیم ، مفهوم زبان را نمی رساند، زیرا واژه شغنی با داشتن " یای نسبتی " ، در انجام اش، نه اسم ظرف است و نه هم اسم مضرّف، بلکه اسم معنی و مفهوم است.

اما واژه " شغنان " ، خود ظرف است ، و " شغنانی " ، مضرّف ، به این معنی که شغنان مکان است و فردی و یا شخصی که در آن زیست می نماید، مضرّف شده است و هم دارای یک نوع هستی بالفعل است در صورتی که زبان تنها یک هستی بالقوه است تا زمانی که به نیروی بالفعل تبدیل نه شده باشد، اما انسان هردو است. مثلاً : زبان شغنی، کریم شغنی، (در صورتی که لقب و یا تخلص کسی باشد،

درست است، فرهنگ شغنی، درست نیست، تاریخ شغنان، درست است، اما (تاریخ شغنی) درست نیست. طعام شغنان، درست است، اما (طعام شغنی)، نادرست. فرهنگ شغنان، درست و لی (فرهنگ شغنایی) نادرست، لذا واژه ها یا عباره های تاریخ شغنایی، تهذیب شغنایی، طعام شغنایی، افاده های نادرست هستند.

مثلاً: واژه "تاجیک"، به یک قوم اطلاق میشود و زبان شان را "تاجیکی" می گویند. و تاجیکستان که مشتق از دو واژه (تاجیک + ستان) است اسم مرکب را ساخته و تاجیکستان شده است. لذا از دیدگاه قانون زبان شناسی به خود اجازه نخواهیم داد تا بگوییم که زبان "تاجیکستانی"، زیرا واژه تاجیکستانی در برابر ساکنین آن بکار برده می شود و نه زبان، زیرا ستان خود زیست گاه را نشان میدهد و زبان در هر محیط یک پدیده روبنایی است و نه زیر بنایی، با وصف آن که در تشکل زیر بنا نقش بنیادی دارد.

و یا هم: واژه "غرج"، که به یک قوم اطلاق میشود، زبان شان را زبان "غرجی" و واژه غرجستانی برای افراد و ساکنین بکار برده میشود. و یا هم واژه "گرج"، که زبان شان را گرجی گویند و نه گرجستانی و اگر واژه گرجستانی بکار برده شود، در حقیقت هدف از شخصی که وابسته به محیط و کشور گرجستان است.

و یا هم واژه: "افغان"، که به یک قوم مشخص اطلاق میشود، زبان شان را "افغانی"، گویند و نه افغانستانی، زیرا در افغانستان اقوام مختلف زندگی میکنند، و زبان های شان را، زبان های ترکی، اوزبکی، هزاره گی، پشه ای، ایماقی، ارمنی، گرجی، عربی، و غیره گویند.

و بدون تردید بکار برد واژه های: زبان ترکستانی، ترکمنستانی، پشه ایستانی، عربستانی، ارمنستانی، غرجستانی، هزار ستانی، ایماقستانی، و غیره، معمل نبوده و نامأنوس هستند.

و یا هم: واژه "کوه"، را در نظر بگیریم: آنچه که در بطن کوه وجود دارد، کوهی میگویند. مثلاً بوته و گیاه کوهی، اما نمیگویند که بوته و گیاه کوهستانی، اما برای اشخاص می گویند که فرید کوهستانی، سلیم کوهستانی و یا محیط

کوهستانی، و اگر برای افراد و اشخاص این واژه را بکار ببریم، معنی اصلی واژه واژگون میشود و فردی را که **کوهی** بگوییم در حقیقت مفهوم وحشی و یا نیمه وحشی را میرساند، که دقیقاً درست نیست و توهین به آن شخص است، مگر آنکه خود شخص چنین واژه ای را برای خود من حیث لقب و تخلص بکار برده باشد.

و یا هم : واژه " **آذر** " در قدم نخست مفهوم قوم مشخص را می رساند که زبان شان را " **زبان آذری** "، میگویند و مردم ای که به این زبان سخن میرانند، آذر ستانی ها ، آذری ها، آذربایجانی، یاد میشوند اما ، هر گز نه شنیده ایم و نه هم درست است اگر بگوییم : **زبان آذر ستانی، زبان آذربایجانی**، بلکه **زبان آذری** میگوییم.

و یا هم ساده تر واژه " **پارس** "، (**فارس**)، که خود مفهوم قوم و نژاد معین را می رساند، و زبان شان را زبان " **پارسی** "، یا " **فارسی** "، میگویند و نه **زبان پارسان**، یا **زبان فارسان**، و یا هم، **زبان پارسستان، یا فارسستان**. واقعیت مسلم این است که زبان من حیث قرارداد اجتماعی، داری هیچگونه راهکار های مطلق نبوده و همواره مطابق شرایط زمان و مکان، و انکشاف ساینس و تکنولوژی دستخوش دگرگونی ها گردیده و همواره مطابق به زمان و مکان رشد می یابد، انکشاف میکند، غنی میشود و در عین زمان به کاستی ها و کاهشات میرود و هم زیر اثر قوانین آرایش و پیرایش قرار میگیرد. بدون تردید، نظریات بهتری نیز در زمینه وجود داشته باشند که دوستان و افراد صاحب صلاحیت و اختیار استدلال خواهند نمود، که باعث آموزش بهتر همه ما و شما خواهد شد. من فقط بر بنیاد حرف های قبلاً ذکر شده، ترجیح میدهم که اگر هدف ما از کاربرد زبان باشد، بهتر است بگوییم که " **زبان شغنی** "، و اگر افراد و اشخاص باشند، ترجیح داده میشود تا واژه " **شغنایی** " را بکار ببریم.

کم ما و کرم شما